

سر مقاله

آتش بس یا خرید زمان؟



داریوش کاری

کارشناس مسائل خاورمیانه

دونالد ترامپ در رسانه اجتماعی خود، از «آتش بس کامل و جامع» بین ایران و اسرائیل خبر داده است، روپدادی که به عنوان گامی بزرگ به سوی صلح در خاورمیانه معرفی شد. با این حال، نگاهی دقیق تر به شرایط پیرامون این اعلام، واقعیتی را آشکار می کند که ممکن است اعلان این خبر تاکتیکی قدیمی برای تجدید قوای اسرائیل و خرید زمان باشد که ترامپ آن را با اهداف استراتژیک و روشن به کار گرفته است. عجیب آنکه مقامات ایرانی، از دیپلمات‌های عالی رتبه گرفته تا سخنگویان نظامی، طی روزهای اخیر هرگز نشانه‌ای بروز نداده‌اند که به دنبال چنین آتش‌بسی بوده‌اند و آشکارا هر گونه دخالت در میانجیگری یا حتی بحث درباره چنین آتش‌بسی را تایید نکرده‌اند. چگونه می توان توافق صلح را بین دو طرف اعلام کرد در حالی که یکی از طرفین کاملاً از وجود آن بی خبر است، در آن نقشی نداشته است یا لاقفل چنین وانمود می کند؟ عجیب تر آنکه اسرائیل پس از اعلام آتش بس، برای حمله به ایران دوازده ساعت دیگر فرصت خواهد داشت و فقط پس از گذشت ۱۲ ساعت از توقف حملات ایران، به آتش‌بس می پیوندد. این بند، که به اسرائیل اجازه می دهد پس از شروع «آتش بس» همچنان به حملات خود ادامه دهد، ماهیت یک طرفه و بهت آور این توافق ساختگی را نشان می دهد و به وضوح نقض هر گونه منطق در یک توافق صلح واقعی است.

این اقدام آمریکا و طرف‌هایی که در این آتش بس دست داشته‌اند یک سوءتفاهم نیست، بلکه حرکتی حساب‌شده است. تاریخچه رفتار سیاسی ترامپ مملو از نمونه‌هایی از ادعاها و اظهارات عجیب است که اغلب برای دستکاری روایت‌ها و دستیابی به اهداف سیاسی خاص به کار می‌روند. یکی از اهداف چنین اقدامی می تواند خرید زمان بیشتر برای ار تش اسرائیل باشد تا به آماده‌سازی خود بپردازند. این اقدام به اسرائیل اجازه می‌دهد تا بدون فشار بیرونی، به تجدید قوا، استراتژی سازی مجدد و تقویت توانایی‌های دفاعی و تهاجمی خود بپردازد.

ترامپ نیز با معرفی خود در قامت یک صلح‌طلب، تلاش می کند تصویری از قدرت و اثربخشی در صحنه جهانی به نمایش بگذارد. این روایت، صرف نظر از صحت آن، می تواند حمایت داخلی را جلب کند، بر افکار عمومی بین‌المللی تأثیر بگذارد، و حتی بازیگران دیگر منطقه را برای تغییر مواضع خود تحت فشار قرار دهد. این اقدام توجه را از درگیری‌های جاری و تنش‌های واقعی منحرف کرده و پرده‌ای از موفقیت دیپلماتیک ایجاد می کند.

از سوی دیگر هدف فریبنده‌تر می تواند در لفافه این آتش بس پیچیده باشد. ایجاد تفرقه در جامعه و تضعیف دولت ایران. با آغاز حملات هوایی و موشکی اسرائیل به اهداف نظامی و غیرنظامی ایران در برخی محافل چنین پنداشته می‌شد که افکار عمومی و جامعه مدنی ایران ممکن است علیه دولت اعتراض کنند و این اعتراضات احتمالاً به سرنگونی رژیم منجر شود. این انتظار تا حد زیادی بر اساس ناراضیاتی‌های داخلی موجود و تمایل دیرینه برای تغییر در میان بخش‌های خاصی از مردم ایران استوار بود.

با این حال، واقعیت متفاوت از این شد. به جای فروپاشی، حملات اولیه در بسیاری از موارد، حس وحدت ملی را میان ایرانیان تقویت کرد. در مواجهه با تجاوز خارجی، بخش قابل توجهی از مردم در حمایت از دولت خود متحد شدند و انسجام ملی را برابر تهدیدات در اولویت قرار دادند. این نتیجه غیرمنتظره، کسانی را که به فروپاشی فوری داخلی امید داشتند، ناامید کرد.

اینجاست که ترامپ با معامله صلح ساختگی خود وارد عمل می شود و با اعلام پیشنهادی برای صلح می تواند روایتی را برساند که به افکار عمومی ایران چنین القا کند «ببینید، آن‌ها به شما صلح پیشنهاد کردند، اما دولت شما آن را رد کرد. رهبران شما مخالف صلح هستند.» این یک تاکتیک کلاسیک جنگ اطلاعاتی است که برای ایجاد شکاف بین مردم و رهبری آنها طراحی شده است.

هدف این است که تنش‌های داخلی و ناراضیاتی‌های مردمی را دوباره شعله‌ور کنند. ترامپ با به تصویر کشیدن دولت ایران به عنوان مانعی بر سر راه صلح و ثبات قصد دارد اعتماد عمومی به نظام سیاسی را از بین ببرد. این می تواند به ناراضیاتی‌های داخلی جدید، اعتراضات و در نهایت، تلاشی برای بی‌ثبات کردن دولت ایران از درون منجر شود، و از طریق تبلیغات به چیزی برسد که از طریق عملیات نظامی مستقیم نتوانستند به آن دست یابند.

زمان بندی چنین اعلامیه‌ای نیز نیازمند بررسی دقیق است. با توجه به فضای ژئوپلیتیکی کنونی و خصوصت پایدار بین ایران و اسرائیل، یک معامله صلح واقعی اقدامی بسیار بزرگ و پیچیده خواهد بود که نیازمند مذاکرات گسترده و شفاف است. آتش بس ناگهانی و یک جانبه، بدون هیچ نشانه‌ای از رضایت ایران، نشانه دیپلماسی نیست، بلکه نشانه‌ای از مانورهای سیاسی است.

در نتیجه، در حالی که اندیشه آتش بس میان ایران و اسرائیل برای دغدغه‌ای که امروز بسیاری از مسئولان و فعالان دارند؛ راهی برای دستیابی به آن نیست. سکوت معنادار ایران و اعطای فرصت ۱۲ ساعته برای ادامه حملات اسرائیل پس از آتش بس، همراه با سابقه ترامپ در استفاده از انحرافات حساب شده و روش غیرمتعارف او در انتشار اخبار مهم، به شدت نشان می دهد که خبر آتش بس یک تاکتیک چندوجهی و فریبنده است. اهداف احتمالی آن را می توان در فراهم آوردن مزایای استراتژیک برای نیروهای دفاعی اسرائیل، ساختن روایت مطلوب هر چند دروغین برای منافع سیاسی ترامپ و نتانیاها و سوءاستفاده و تشدید اختلافات داخلی در ایران، با امید به تضعیف دولت از طریق قرار دادن شهروندان در برابر آن، با توهم آتش بسی شکننده جستجو کرد.



روایت یک منطق فراموش شده؛ صدای عقلانیت بر ابر هیاهوی جنگ

ببخشید، قانع نشدم!

جهان بار دیگر به جنگ‌های پیشگیرانه تن می‌دهد؟ **صفحه ۳**



نابسامانی در برگزاری
امتحانات پایان سال
تحصیلی دانش آموزان

آقا اجازه! کی امتحان بدیم؟

صفحه ۶

یادداشت

ایست ترامپ به اسرائیل، بعد از حمله موشکی ایران به پایگاه العدید

جنگ در شب؛ آتش بس در سپیده دم

امید محسنی

هفت صبح

در میانه انفجارهای شبانه در آسمان تهران، سپاه پاسداران بامداد سه‌شنبه با صدور اطلاعیه‌ای رسمی از هدف قرار دادن پایگاه نظامی العدید در قطر با موشک‌های بالستیک خبر داد؛ اقدامی که به گفته تحلیل گران، نقطه عطفی در مواجهه مستقیم با ایالات متحده تلقی می شود.

در این اطلاعیه آمده بود: «با تدبیر شورای عالی امنیت ملی و راهبری قرار گاه مرزی خاتم الانبیا (ص)، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با رمز مقدس «یا ابا عبدالله الحسین (ع)»، پایگاه العدید را هدف تهاجم ویرانگر و قدرتمند موشکی قرار داده است.» سپاه تأکید کرد این عملیات، پاسخی قاطع به تجاوز آشکار آمریکا به تأسیسات هسته‌ای صلح آمیز ایران در فردو و نقض صریح حقوق بین‌المل بوده است.

پشت پرده یک آتش بس

همزمان با انتشار این بیانیه، دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده، در یک پست طولانی در پلتفرم شخصی اش «تروث سوشال» نوشت: «تبریک به همه! ایران و اسرائیل توافق کرده‌اند که از شش ساعت آینده، آتش بس برقرار کنند. این جنگ به پایان خواهد رسید.»

او مدعی شد که این جنگ دوازده روزه که می توانست کل خاورمیانه را نابود کند، با پایان یافته است. ترامپ حتی با لحنی نادر از صلح و دعا گفت: «خداوند ایران، اسرائیل، آمریکا و جهان را حفظ کن.» بلافاصله عباس عراقچی، وزیر خارجه

تلنگر

ترجمه سیاسی ایستادگی مردم در ۱۲ روز جنگ

ما هنوز هستیم



امیر تاجیک

هفت صبح

در ۱۲ روزی که از زمین و آسمان، آتش بر سر ایران می بارید، تحلیلگران در اتاق‌های فکر غربی روی یک چیز حساب کرده بودند: شکاف‌های داخلی. گمان آنها بر این بود که جامعه ایرانی در وضعیتی است که موشک‌ها و دلهره‌ها، آخرین بند همبستگی را خواهد پاره برد. اما اتفاقی بر خلاف انتظار اتشان افتاد و سیاست عامه بر تحلیل‌های کلاسیک مرسوم غالب شد. مردم، با هر تفاوتی که داشتند، کنار هم ایستادند. حالا سیاستمداران در تهران، بی‌برده می‌گویند که این همبستگی، نه صرفاً یک واکنش احساسی، که یک دارایی راهبردی برای ایران است.

علی ربیعی، دستیار اجتماعی رئیس جمهور، این رخدار را «اتلاف بزرگ اجتماعی» خواند؛ اتلافی از مردم، نیروهای

ایران، در توثیتی با صراحت اعلام کرد: «در حال حاضر توافقی در موضوع آتش بس یا توقف عملیات وجود ندارد. با این حال، در صورت توقف تهاجم اسرائیل تا ساعت ۴ صبح، ما نیز قصد ادامه پاسخ نداریم.» لحن او محتاطانه بود، اما همچنان بر حق دفاع مشروع ایران در برابر «رژیمی که آغازگر جنگ بود» پافشاری داشت.

آتش بس واقعی یا عملیات فریب؟

ادعای ترامپ درباره آتش بس، بلافاصله از سوی رسانه‌های غربی، به ویژه شبکه‌های خبری وابسته به محافل رسمی ایالات متحده، بازنشر شد. برخی منابع شناس در وزارت دفاع آمریکا نیز از تمایل به «کاهش تنش» سخن گفتند. اما بسیاری در تهران و منطقه، به این طرح آتش بس با دیده تردید نگرستند.

تحلیل گران سیاسی در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی، دو سناریو را مطرح کردند. سناریوی اول عملیات روانی- رسانه‌ای برای توقف افکار عمومی و آغاز حملات گزینشی بود. این دیدگاه که توسط برخی نزدیکان به جریان های امنیتی ایران نیز بازتاب یافت، معتقد است که طرح آتش بس، بخشی از عملیات فریب رسانه‌ای ترامپ-نتانیاها است تا به کمک آن، اولاً فضای سیاسی و افکار عمومی جهان را از خشونت‌های ادامه‌دار اسرائیل منحرف کنند و ثانیاً امکان حملات نقطه‌ای و ترورهای هدفمند در خاک ایران را فراهم آورد. از همین منظر، سکوت معنادار کابینه نتانیاها و جلوگیری از اظهار نظر اعضای آن، به منزله تأیید ضمنی این استراتژی ارزیابی شد.

سناریوی دوم تأثیر واقعی حملات ایران و آغاز مرحله بازدارندگی متقابل معنا شد. برخی تحلیل گران معتقدند حمله موشکی ایران به پایگاه العدید و حملات قبلی به حیفا و پایگاه‌های اسرائیلی، عملاً توازن جدیدی در منطقه ایجاد کرده است. به گفته آن‌ها، هم ایالات متحده و هم اسرائیل در یافتند که ادامه جنگ نه تنها پر هزینه بلکه غیر قابل کنترل خواهد بود. در این تحلیل، پیشنهاد آتش بس ترامپ، نه از موضع قدرت بلکه از نقطه فشار سیاسی-اقتصادی داخلی در آمریکا مطرح شده است؛ فشاری که هم در بازارهای جهانی نمود داشت و هم در فضای سیاسی واشنگتن.

روایت هم‌زمان جنگ و آتش بس

در ساعات پس از اعلام آتش بس، حملات سنگین هوایی اسرائیل به تهران و برخی دیگر از شهرها، واقعیت تلخی را به نمایش گذاشت: آتش بس ادعایی هنوز در میدان عملی نشده بود و اسرائیل در فرصت باقیمانده به دنبال حمله به اهداف مشخصی بود. گزارش‌ها نشان می دهد حملات دوشنبه تا سپیده دم سه‌شنبه، شدیدترین موج حملات اسرائیل از آغاز جنگ تاکنون بود؛ حملاتی که برخی از آن‌ها به صورت بی سابقه‌ای و زیر ساخت‌های شهری نزدیک شد.

هم‌زمان، جی دی ونس، معاون ترامپ، که در بحبوحه جنگ سکوت پیشه کرده بود، با لحنی خوشبینانه گفت: «فردا واقعاً روز جدیدی است؛ پایان جنگ ۱۲ روزه و آغاز صلحی بزرگ در خاورمیانه.» آنچه که در رسانه‌ها دیده شد، بیش از استقبال از یک آتش بس، شوکی بود که دوباره ترامپ به سیاست و اقتصاد دنیا داد. سعی رئیس جمهور ایالات متحده

یادداشت

در یک صحنه بودند. محمد مهاجری، روزنامه‌نگار اصولگرا، این وحدت را «دست خدا از آستین ملت» توصیف کرد؛ نه برای تیرک جویی که برای نشان دادن شکوه حضور ملتی که در شرایطی سخت‌تر از همیشه، ایستادگی را انتخاب کرد.

در فضای مجازی، سیدمحمدعلی ابطحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، صراحتاً گفت: «باور کنید اسرائیل به گمان فروپاشی سریع داخلی جنگ را تحمل کرد.» جمله‌ای که بیشتر از هر تحلیل امنیتی، عمق خطای راهبردی دشمن را نشان می دهد. او از شهادی در برابر پیروزی سخن گفت، اما سروری که مشروط به حفاظت از بزرگ ترین دستاورد این جنگ بود: انسجام ملی. اما در میان این ستایش‌ها، یک هشدار نیز تکرار می شود: «هنوز باید هشیار بود.» مهاجری از «بخاله‌های اسرائیل» در داخل کشور نوشت؛ از کسانی که به گفته او، در همین

۱۲ روز، طرف جنایتکار را گرفتند، جاسوسی کردند، پهباد جابه‌جا کردند و جنگ روانی به راه انداختند، بازتاب همان دغدغه‌ای که امروز بسیاری از مسئولان و فعالان دارند؛ سرمایه اجتماعی شکل گرفته در بحران، به راحتی ممکن است با بی تدبیری یا اشتباهات داخلی، از بین برود.

در این ۱۲ روز، مردم فقط سنگر سیاست و دفاع نبودند، بلکه تصمیم ساز واقعی بودند. آنها بودند که مسیر را عوض کردند، روحیه دادند، درد کشیدند اما تسلیم نشدند. سیاستمدارانی که این روزها لب به تحسین گشوده‌اند، حالا با وظیفه‌ای سنگین تر روبه رو هستند: این سرمایه را حفظ کنند. نه فقط با شعار که با اصلاح رفتار، ترمیم زخم‌ها، و پرهیز از تفرقه افکنی.

شاید مهم ترین درس این جنگ، نه در تخریب تأسیسات یا تحلیل‌های استراتژیک، بلکه در صدای بلند یک ملت نهفته باشد که گفت: «ما هنوز هستیم.»

گزارش میدانی هفت صبح از وضعیت اقتصادی استان گیلان

افزایش تقاضا باعرضه همدلی شکست



جنگ و هر رویداد مشابهی؛ پیامدهای نظامی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گوناگونی در پی دارد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای هر جنگ شهرزندان یا مهاجرت کوتاه مدت یا بلندمدت سوی بخش‌های دیگری کشور است که کمتر در معرض جنگ قرار دارند. این موضوع، یک فترت کاملاً عادی از سوی انسان‌های در معرض جنگ و تهدید در سراسر جهان در طول تاریخ بوده است.

در جنگ میان ایران و اسرائیل، که سرانجام با پذیرش تنش بیس میان طرفین فعلا پایان یافت، یکی از مهم‌ترین پیامدها خروج گسترده شهروندان، به خصوص شهروندان ساکن در کلان شهرهای بزرگ، در محل زندگی و اقامت خود و مسافرت به مناطق و شهرهای دیگر در معرض تهدید و موشک باران بود. استان‌های گیلان و مازندران در همه مناسبت‌ها و تعطیلات رسمی، هم‌یشه میزبان میلیون‌ها ایرانی هستند. این دو استان در روزهای جنگ و موشک‌باران ایران و رژیم صهیونیستی نیز بار دیگر شاهد حرکت و مسافرت جمع بزرگی از ایرانیان بگریانی، که از کلان شهرها و همچنین شهرهای کوچک‌تر به دو استان گیلان و مازندران سفر کردند تا از آسیب‌های جنگ و حملات روزانه و شبانه رژیم صهیونیستی در جان باشند.

تخصص پس از مباران گسترده تهران، میلیون ها نفر
از تهران و سایر شهرها بار دیگر مازندران و گیلان را به
عنوان مقصد سفر خود برای در امان بودن از جنگ
برگزیدند.

قانون آهین عرضه و تقاضا حتی در دوران جنگ؟

فنگامی که یک استان به هر دلیلی در معرض سفر میلیونها نفر قرار می گیرد، نخستین پیامد این رویداد این است که به طور طبیعی و به ناگهان، تقاضا در آن استان در همه بخش ها از اقامتگاه گرفته تا نان و برق و مواد غذایی نسبت به عرضه با جهش بزرگ مواجه می شود و پیشی گرفتن ناگهانی و شدید تقاضا نسبت به عرضه به طور طبیعی، رشد قیمت را به دنبال دارد.

ما پرسش این است که آیا این قاعده دانش اقتصاد، دوران جنگ و هنگام منازعه که حس همبستگی اجتماعی و همدلی عمومی افزایش می‌یابد هم صادق است؟ با توجه به این که هر بازار دو طرف دارد، طرف عرضه و طرف تقاضا، رفتار طرف عرضه شکننده کالا و خدمات در استان گیلان پس از مسافرت میلیون‌ها ایرانیان در جنگ ۱۲ روزه میان ایران و رژیم چونیستی چگونه بود؟

یاد ار استان گیلان، هووطنان عرضه کنند کالاهای خدمات، از خدمات اقامتگاهی و مایحتاج عمومی گرفته تا سایر کالاهای خدمات، پس از جهش گاهانی و شدید تقاضا به دلیل هجوم مسافران، برصص تا انعمیت شرمده بر اساس قانون عرضه تقاضا، اصبعها را بالا بردند؛ خبر نگار روزنامه مفت صبع در گزارشی میدانی و در گفت و گو

تعدادی از اهالی استان گیلان به این موضوع پرداخته است.

تصمیم گرفتیم قیمت اقامتگاه‌ها را کاهش
دهیم!

محمد برجی از جانبازان شیمیایی در دوران دفاع مقدس و از فعالان کنونی گردشگری استان گیلان با

شاره به حمله اسرئیل و حضور میلیونی ایرانیان به خصوص اهالی تهران، اصفهان، کرج و آذربایجان در استان گیلان گفت: پس از یورش دشمن صهیونیستی به ایران عزیزمان، طبیعی بود که بسیاری از مردم به دنبال یک سرپناه امن بودند و استان گیلان هم گزیدند. خوشبختانه در استان گیلان هم با استقبال گرم گیلانی‌ها مواجه شدند. البته تشریف آوردن تعداد زیادی از هممانان نیز به طور طبیعی مشکلاتی را به سطح استان گیلان هم به وجود آورد. ظرفیت‌های در دسترس و جهش تقاضای ایرانیان نیز منسجم‌شده که با تدبیر و درایت مقامات دولتی، خوشبختانه به تدریج مرتفع شد. این فعال حوزه گردشگری در استان گیلان ضمن ابراز خرسندی و خوشحالی از آتش بس ایران و ایران و رژیم صهیونیستی افزود: البته در قلمت قریباً دو هزار نفر که کشور درگیر جنگ بود، فرصت استفاده‌هایی به صورت گرفت و عده‌ای سودجو

لاش کردند با توجه به هجوم مردم به اقامتگاه‌های
استان گیلان قیمت خدمات اقامتی و مایحتاج عمومی
بالاتر از حد واقعیات این عده بسیار اندک بودند. با
توجه به این که من هم مالک یک مجموعه گردشگری
فستم، و از فعالان صنفی گردشگری استان گیلان
میز به شمار می‌آیم، در همان روزهای ابتدایی حمله
ژیم صهیونیستی و هجوم مردم به سوی گیلان، طی

صاحب یک نانوایی در شهر تالش:

ما در این ۱۲ روز، در درجه نخست نگران هموطنان مان در شهر تهران بودیم. واقعا حملات به تهران به عنوان پایتخت کشور، راحث کننده بود. در بحث نان با توجه سفر میلیون ها نفر به استان گیلان خوشبختانه تاکنون هیچ افزایشی در قیمت نان نداشته ایم و نان به رغم افزایش تقاضا به قیمت پیش از جنگ عرضه شد

گرفتن قیمت خدمات گردشگری و اقامتی را کاهش

بیز بدهیم و این تصمیم را میان خودمان، اجرا کردیم. شهرداری و نهادهای دولتی و عمومی است. گیلان نیز تصمیم گرفتند اماکن مسقف خود را صورت رایگان در اختیار مسافران قرار دهند. قیمت ثابت ماند، نگران ذخیره آرد هستیم. برایم شادی که در شهر تالش صاحب یک نانوا!

است در گفت و گو با خبر نگار هفت صبح گفت: ما در این ۱۲ روز، در درجه نخست نگران موهو طنان نان، در شهر تهران بودیم. واقعا حملات به تهران به عنوان پایتخت کشور، نارا، حتماً بوده، در بحث نان، توجه سفر میلیون ها نفر به استان گیلان، خوشبختانه تاکنون هیچ افزایشی در قیمت نان نداشتیم و نان به رغم افزایش تقاضا با قیمت پیش از جنگ عرضه شدند. اما اولین موضوع نگران کننده، ذخیره آرد استان است. و نیاز خود گیلانی آرد در استان گیلان برای شرایط عادی و نیز خود گیلانی آرد در نظر گرفته شده بود و با توجه به جهش شدید تقاضای نان، ذخیره آرد استان کفایت حداکثر چند هفته را می دهد و در صورت تداوم جنگ و حضور همزمان در استان گیلان قطعا به زودی کمبود آرد در استان به وجود می آید که در نتیجه قیمت نان به گیلان افزایش پیدا خواهد کرد و مسئولان حتما باید به سرعت برای حل آن، تدبیری بیندیشند.

در گیلان با وفور کالا مواجه شدیم
 یاسین اصلانی، از جمله شهروندان تهرانی است که نگران از حمله اسراییل و به دنبال یافتن سرپناهی امن، در همان روزهای درگیری از تهران راهی گیلان و شهرستان تالش شد. او در خصوص تجربه اقامت

۱۰ روزه‌اش در گیلان و وضعیت قیمت‌های میوه‌ی یکی از نکات بسیار جالب توجه برای من در این چند روز، تغییر نکرد قیمت کالاهای و خدمات بود. به لطف و همراهی مالک یک مجموعه اقامتی، من و خانواده‌ام موفق شدیم اقامتگاهی تمیز و زیبا را به قیمتی بسیار مناسب اجاره کنیم، نکته جالب این‌که در گیلان به‌رغم شرایط جنگی و بافوق کالا و مایحتاج عمومی مواجه هستیم، مثلاً مرغ به وفور و با قیمت‌های گذشته عرضه می‌شود. من در گیلان هر روز حتی از آن‌ها تر از تهران خرید می‌کنم، بسیاری از میوه‌جات نیز به وفور و با قیمت مناسب یافت می‌شود. پمپ بنزین‌های گیلان در بسیاری از اوقات شبانه روز با اضافی ندارد؛ یک صف اندک وجود دارد. میهمان‌نوازی گیلانی‌ها در این جنگ نیز بسیار ستودنی بود و با وجود نگرانی از حدت به خصوص در شهرهای بزرگ، ما در وجود نگرانی هیچ‌گونه احساس غربت و دل‌تنگی نداشتیم.

پس از یورش اسرائیل به مهین مان این تجربه نخست
سفر من به گیلان بود و موجب شد حس همبستگی
و همدلی بسیاری با اهالی خونگرم گیلان پیدا کنم.
تصمیم دارم پس از آتش بس و در آینده بیشتر به
گیلان سفر کنم و امیدوارم مانیز در تهران پذیرای
خوبی برای هم‌میهنان گیلانی‌مان باشیم.

«هم‌ایم» با دو فرزند ۴ و ۵ ساله خود به یکی از روستاهای قزوین پناه برده بود. او می‌گوید: هم‌هسرم به خاطر کارش نتوانست با من بیاید و من با دو چپه‌قد و نیم‌قد حسن یک زن آواره را داشتم. همه چیز عیب بود. چند روز پیش ۲۰ تن آلوده را با دو چپه‌قد ۱۸ هزار تومانی خریدم. خیلی از نانوائی‌ها هستند بودند و جایی که رفتم یک با نان ۱۰ هزار تومانی می‌داد. اعتراض کردم اما آن‌ها گفت که اجازه داده‌اند به قیمت آزاد بفروشیم. حتی اگر به قیمت آزاد هم می‌داد باید ۲ هزار تومانی می‌شد نه ۱۰ هزار تومان! خیلی‌ها آمدند و نان نخریده رفتند.» می‌گوید: «از یک طرف چه‌هایم را از مردم می‌کردم و از طرفی دیگر نان هم‌سرم و نان‌های دیگر را می‌فروختم. اتفاقی که افتاده با نورم نمی‌کردم و هر لحظه منتظر بیدار شدن از این کابوس وحشتناک بودم.»

تجربه به‌مریم از ترک اجباری تهران بدون همراهی هم‌سرم، بهت‌اشی از تغییر ناگهانی مسیر روزمره زندگی و نامعلوم بودن باران گشت به یک زندگی‌های، تلاش برای حفظ چهره یک مادر، دان‌درست در حالی که نگران از دست دادن همسرش در حمله‌های شبانه به تهران بود و در کل، تجربه این استیصال آگاهانه، تجربه بسیاری از زنان دیگر است.

حتی اگر مانده بودند و به کار خود ادامه می دادند، باز هم در یک وضعیت جنگی کسی پیدا نمی شد که به فکر خریدی جز وسایل اولیه و روزمره زندگی باشد.

سوءاستفاده از شرایط: زشت

در طول ده - دوازده روز گذشته که در خیابان های تهران سکوت آشفته ای حاکم بود، در بسیاری دیگر از شهرهای کشور، شلوغی نسبتاً کم سابقه ای تداوم داشت. پناه گرفتن در شهرهای مختلف و افزایش بی حد نصاب جمعیت در برخی از شهرها، زندگی را همان قدر سخت و مختل کرد که خلوتی و تعطیلی بی سابقه تهران در شهرهای دیگر. بیش از ۲۰۰ نفره نواحی در برخی از شهرهای آذربایجان شرقی و قیمت ۹ هزار نومانانی نان لواش در یکی از روستاهای قزوین، همچنین افزایش قیمت برخی از مواد غذایی در شهرهای مختلف و گزارش هایی از محدود شدن برخی از مواد مورد نیاز مردم، نمونه هایی از این خنثال و وضعیت اداری بود. به همه اینها باید نگرانی از تداوم جنگ را بی ثبات در شهرهای دیگر، ندانستن درآمد و احتمال تمام پس انداز را هم اضافه کرد.

A photograph of a busy indoor market. In the foreground, a man in a brown jacket is looking towards the camera. Behind him, several other people are walking through the market. The aisles are lined with various goods, including clothing and food. The market has a high ceiling with exposed wooden beams and hanging lights. The overall atmosphere is lively and bustling.

کارش در شوش تهران رفت اما کره مغازه را بالا نکشیده به خانه برگشت. «نگار خاک مرده پاشیده بودند. همه پاساژها بسته بود و فقط چند مغازه باز بود. مگس در شوش بر نمی‌زد. نسکوتان آن محله همیشه شلوغ و پر رفت و آمد آنقدر بهتر بود و ترسناک بود که اصلاً کره مغازه را بالا نکشیدم و برگشتم به خانه. دو ساعت و سیالان را منجر کردیم و با خانواده هجتم به باغچه خانوادگی من در یکی از روستاهای جاده چالوس رفتم».

یکی از بزرگترین نگرانی‌های مهران تداوم این وضعیت بود. او می‌گوید: «شغل ما آزاد است و اگر کار نکنیم خرجت نمی‌کنیم. تو توانیدی بدیهم. کم هفتصد کار نکردن را می‌توانیم تحمل کرد. دو هفته هم می‌شود اما اگر بشود سه هفته و کم مایه و دو ماه... و چه؟ از کجا بیایم بخوریم؟ چطور اجناسم را بفروشیم؟ کرایه مغازه را چه کار کنم؟ حتی اگر من هم برگردم شوش و وسط جنگ مغازه را باز کنم، چه کسی می‌آید و از من خرید می‌کند؟»

سوال اول و نگرانی‌های مهران این روزها البته خیلی‌ها درک کردند. آنها که مغازه خود را بسته و رفتند خوب می‌دانند که

آن شدند. مادر خانواده بیماری قلبی دارد و نگرانی از آسیب آن‌ها در فضای استرس‌زای تهران و آن آسادهای ناگهانی انفجار لادن شدن پادفاند، مهم‌ترین دلیل انتخابی ترک تهران بود. گوید: «می‌خواستم زودتر بروم و شوم و تصمیم گرفتم بروم. باید هر چه زودتر از تهران خارج می‌شدم می‌شدیم. منتهی اقامت یک شب در یک جای معمولی بین ۳ تا ۵ میلیون بود. برای همین، چند روزی بیشتر در تهران ماندیم تا به‌تاهای بومی‌ها از آن‌ها بماند. بالاخره شانس آورد و از یکی از به‌تاهای بومی‌ها از اتاقی رایگان گرفتم.»

را هم از تجربه نسبتاً مشابهی سخن می‌گوید. او و خانواده‌اش روز پنجشنبه هفته گذشته، تهران را به مقصد مسابل ترک کردند، می‌گوید: «صاحبخانه، انسانی شریف و به معنی واقعی و انسان بود. هر چند طبقه بالای خانه‌ی را برای ۶ نفر رهن کرده بودیم، اما به ما گفت که می‌توانید به هر کدام از می‌که می‌خواهند از تهران خارج شوند هم بگویید که به جا بیایند. حتی به ما گفت که نگران کرایه خانه نباشید و تا وقتی که می‌خواهید در اینجا بمانید».

دو روایت البته در میان انبوه تصاویر و فیلم‌هایی که از یک مردم به هموعان خود در این شرایط سخت حکایت می‌کند، شش نمونه خوارند اما نشان داد که مردم ایران، در سخت‌ترین شرایط موجود، درینی از مهریانی و همفکری دارند.

نگرانی از آینده: بد
ایط جنگی، بیش از همه کسانی را آزار می‌دهد که حقوق و مد ثابتی ندارند و در مقابل، هزینه‌های ثابتی دارند که با ادامه می‌تواند به طور تصاعدی افزایش یابد.
پران» یک مغازه‌دار است. او دوشنبه هفته گذشته به محل

روایت‌های جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل از
زبان مردم کوچه و خیابان

خوب، بد، زشت

گروه اقتصاد | جنگ ۱۲ روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی، در نهایت با ایستادگی و مقاومت جاتانه کشور به یک آتش‌بس موقت منجر شد. با این حال، مردم ایران در این روزها با حاطراتی همچون خواب و تلخ مواجه شدند.

بامداد پنجشنبه ۲۳ خردادماه، حوالی ساعت ۳ حمله موشکی اسرائیل به تهران، زندگی معمول مردم را برای مدتی نامعلوم تغییر داد. شوک این حمله شبانه و ترس از تکرار جنایات این رژیم که پیشتر در غزه و لبنان عیان شده و نشانه‌های آن در روزها و شب‌های بعد با تداوم حملات سنگین و آسیب‌های جانی و مالی نمایان شده بود، بسیاری از مردم را مجبور به ترک خانه به مقصدی امن کرد. در با توجه به اینکه در این رخدادها، تهران به ناکوت حملات اسرائیل بدل شده بود، تصمیم به ماندن در تهران تار نام‌آرام یا ترک آن، به‌ترین دوراهی افراد در هفته گذشته بود. برخی از شهروندان، تهران را بدون معطلی و در همان ساعات اولیه ترک کردند، برخی صبر کردند و امیدوار تاواضع، نسبتاً آرام شوند اما چون با یک رخ پیدا کرد، مجبور به ترک تهران شدند و افراد دیگری نیز تاراطه آخر ماندند. رفتن یا ماندن اگرچه دو تصمیم کاملاً متفاوت بود اما انتخاب رخ کدام از این دو راه، به‌ر هیچ تجربه‌کننده‌ای پوشیده نیست.

روایت‌هایی از رفتن؛ خوب
«صحرا» و خانواده‌اش سه‌شنبه موفق به ترک منطقه فلاح

[illegible][illegible]



0920 200 17 07

شماره اختصاصی روزنامه هفت صبح برای دریافت پیام متنی، تصویری و ویدئویی
از طریق پیامک، تلگرام و واتساپ

«هیچ پدری، هیچ عمو و مادری، آماده نیست که جسد کودک شش ساله‌اش را از بیمارستان تحویل بگیرد. شهادت او چنان داغ بزرگی بر خانواده است که حالا روزی هزار بار با خود می‌گویم کاش طاهای معصوم ما زنده می‌شدند من به جای او شهید می‌شدم.»



هزار و یک شب نتانياهو



سید مهدی مهدوی
هفت صبح

اقتصاد مهم است، جنگ هزینه دارد، و با جیب خالی نمی توان جنگید از این رو تداوم جنگ بی تردید فرساینده خواهد بود و در زمانه کنونی تحمل بار اقتصادی ناشی از جنگ می تواند هر قدر تی را به زانو در آورد مگر رهبری همچون نتانياهو را که از راه جنگ به حیات سیاسی خود ادامه می دهد و بی جنگ به پایان سیاسی خود می رسد.

چهار روز پیش وال استریت ژورنال نوشت هزینه جنگ اسرائیل با ایران به روزی دوست میلیون دلار رسیده است و بیشتر این هزینه به رهگیری پرتابه های ایران و حملات هوایی اسرائیل مربوط می شود و طبیعی است چنین وضعیتی نمی تواند برای مدت طولانی ادامه دار باشد و از همان ابتدا هم معلوم بود آتشی که اسرائیل برافروخت به دلایل اقتصادی هم طولانی مدت نخواهد بود.

در کنار این فشار مالی، بحران اجتماعی نیز تشدید شده است. تظاهرات هفتگی علیه سیاست های قضایی دولت، اعتراض خانواده های گروگان ها و اختلافات داخلی میحاز حزب دولت انتلافی، مشروعیت نخست وزیر را به شدت تضعیف کرده است. پرونده های فساد بنیامین نتانياهو، ناتوانی در رسیدن به توافق درباره گروگان ها و اختلاف با ارتش و نهادهای امنیتی، او را در وضعیت بی سابقه ای قرار داده است؛ شرایطی که می تواند رهبر سیاسی را به سمت گزینه هایی پرریسک امر پرصداتر سوق دهد. برای نتانياهو، ادامه جنگ، نه فقط گزینه ای راهبردی، بلکه ضرورتی حیاتی برای ماندن در قدرت است.

قصه هزار و یک شب جنگ

درست در روزهایی که ایران در حال پیشبرد مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم با آمریکا برای حل و فصل اختلافات هسته ای بود، اسرائیل به ناگاه از آسمان تهران سر رسید. تل آویو که پیش تر نیز سابقه

حملات محدود به تأسیسات یا چهره های علمی ایران را در کارنامه داشت، این بار دامنه عملیات را گسترش داد و حمله ای را در مقیاس کم سابقه ترتیب داد. در ظاهر، هدف این اقدام «دفاع پیشگیرانه» عنوان شد؛ اما در باطن، همه چیز نشانه ای از تقابل با یک تهدید نبود، بلکه راهی برای فرار از بحرانی دیگر بود: بحران داخلی در اسرائیل. درون مرزهای اسرائیل، نخست وزیر بنیامین نتانياهو با چالش های فزاینده ای روبه روست: پرونده های فساد، اعتراضات مردمی بی وقفه، شکاف های اجتماعی عمیق و حتی اختلافات جدی در ساختار قدرت. محبوبیت او در حال فرسایش است و بسیاری در جامعه اسرائیل، دیگر تاب تماشا ی ادامه زمامداری اش را ندارند. او خوب می داند که با خاموش شدن توپ ها و فروکش کردن تنش ها، پرونده سیاسی اش بسته خواهد شد. پس همانند قصه گوی شب ها هزار و یک شب، برای زنده ماندن، هر روز باید قصه ای تازه بسازد؛ و چه قصه ای برای ماندگاری در قدرت بهتر از یک جنگ خارجی؟

تنش خارجی، ابزار بقای داخلی

در نگاه نخست، شاید ربط مستقیمی بین بحران داخلی اسرائیل و انفجارهایی که در ایران شنیده می شود، به چشم نیاید. اما علم سیاست و تجربه تاریخی نشان می دهند که رهبران گرفتار در بحران های داخلی، گاه آگاهانه در مسیر تشدید تنش های خارجی گام می گذارند. این پدیده، «جنگ انحرافی» نام دارد: رفتاری هدفمند برای جلب حمایت عمومی، بازسازی مشروعیت فرسوده و منحرف کردن نگاه مردم از داخل به بیرون. در ادبیات روابط بین الملل، نظریه ای شناخته شده وجود دارد که همین مسیر را توصیف می کند: «نظریه جنگ های انحرافی». طبق این دیدگاه، زمانی که رهبران سیاسی با کاهش شدید محبوبیت، بحران اقتصادی یا شکاف های اجتماعی مواجه می شوند، یک دشمن خارجی می تواند همان چسبی باشد که جامعه متفرق را دوباره متحد می کند.

سیاست مدارانی که جنگ را برگزیدند تاریخ معاصر، صحنه های متعددی را ثبت کرده است که در آن، تصمیم به ورود به جنگ یا تنش، نه از سر اجبار ژئوپولیتیکی، بلکه با هدف نجات یک دولت از ورطه داخلی گرفته شده است.

آمریکا در ویتنام

در دهه ۱۹۶۰، آمریکا با موجی از اعتراضات مدنی، جنبش های حقوق شهروندی و بحران های اجتماعی مواجه بود. ترور جان اف. کندی، ناآرامی در دانشگاه ها و مخالفت عمومی با نابرابری نژادی، فضای سیاسی را تیره کرده بود. در چنین شرایطی، حادثه ای مشکوک گرفته، هر چند بعدها روایت به چالش کشیده شد، همین حادثه بهانه ای شد تا رئیس جمهور جاسون بدون نیاز به اعلام جنگ رسمی، نیروهای نظامی را روانه ویتنام کند. اگر چه این جنگ در نهایت با شکست و هزینه های سنگین برای آمریکا همراه شد، اما در کوتاه مدت موجب تمرکز افکار عمومی بر دشمنی خارجی و دور شدن از مشکلات داخلی شد.

کره و بازسازی اعتبار ترومن

پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده با سبیلی از اعتراضات کارگری، بیکاری گسترده و کاهش اعتماد عمومی روبه رو بود. در سال ۱۹۵۰، حمله کره شمالی به کره جنوبی فرصتی برای دولت ترومن فراهم کرد تا وارد جنگی شود که تحت حمایت سازمان ملل بود. این جنگ اگر چه پیچیده و پرهزینه بود، اما در فضای رسانه های و سیاسی آن زمان، ابزار مؤثری برای جلب حمایت عمومی و انحراف توجه از بحران های داخلی تلقی شد.

جنگ خلیج فارس: بیروزی در تلویزیون

در اوایل دهه ۹۰، اقتصاد آمریکا در رکود و جورج بوش پدر با کاهش محبوبیت روبه رو شده بود. حمله عراق به کویت فرصتی پدید آورد تا آمریکا، در چارچوب ائتلافی بین المللی، وارد عملیاتی نظامی شود. عملیات طوفان صحرای موفقیت سریع و تصویری از یک جنگ

وقتی جنگ، راه نجات رهبران بحران زده می شود

پاک و پیروز در رسانه ها همراه شد. بازگشت سربازان با استقبال گسترده، مشروعیت سیاسی کاخ سفید را برای مدتی احیا کرد.

نتانياهو و سیاست جنگ برای بقا

در این میان، نتانياهو به خوبی درس این الگو را آموخته است. او می داند که سرنوشت سیاسی اش با فروختن تنش ها گره خورده است. برای او، هر روز باید صحنه نبردی تازه باشد؛ هر شب، قصه ای تازه برای زنده ماندن. بنابراین اگر دیپلماسی در مسقط به آرامی پیش می رفت، اگر توافقی میان تهران و واشنگتن شکل می گرفت، او نمی توانست دست روی دست بگذارد و شاهد محو شدن خودش از صفحه سیاست باشد. پس جنگ را برگزید؛ نه فقط برای امنیت اسرائیل، بلکه برای بقای خود. آنچه امروز به عنوان جنگ یا تنش در خاورمیانه دیده می شود، تنها یک سوی سکه است. سوی دیگر آن، میزهای بحران در داخل کشورهایی است که این جنگ ها را آغاز می کنند. ایران ممکن است قربانی سیاستی شود که اساس آن نه بر تهدید واقعی، بلکه بر نیاز به زنده ماندن سیاسی دیگر رهبران سیاسی استوار است. درک این منطق به ما کمک می کند تا در مواجهه با هر انفجار یا حمله، فقط به تحلیل نظامی یا فنی آن بسنده نکنیم. بلکه نگاهمان را به اتاق های قدرت ببریم و ببینیم چه اضطرابی در چهره سیاستمداران آن کشور موج می زند. شاید ریشه جنگ، نه در نظریات یا تهران، بلکه در نظر سنجی های باشد که ارقام



خلیج فارس، واشنگتن و امید به سکوت توپ ها

واکنش رسانه های جهانی به آتش بس میان ایران و اسرائیل



گروه بین الملل | ادعای دونالد ترامپ درباره «آتش بس کامل» میان ایران و اسرائیل، در صدر خبرهای جهان قرار گرفت اما بررسی رسانه های بین المللی نشان می دهد که این آتش بس، بیش از آنکه مبتنی بر توافقی واقعی باشد، بر پایه گمانه زنی های سیاسی، سکوت رسمی دو طرف و روایت سازی جناحی استوار است. از فایننشال تایمز تا واشنگتن پست، از رویترز تا خبرگزاری فرانسه، همگی بر ابهام، عدم تأیید رسمی و شکنندگی شرایط میدانی تأکید دارند. در عین حال، تلاش های پشت پرده کشورهای عربی و تغییرات در بازارهای جهانی، تصویری از وقفه ای تاکتیکی و ناپایدار را ترسیم می کند که با صلحی رسمی و ماندگار فاصله دارد.

فایننشال تایمز در گزارش اولیه خود با تیتیر «دونالد ترامپ اعلام کرد ایران و اسرائیل به آتش بس کامل رسیده اند»، از ادعای رئیس جمهور پیشین ایالات متحده پرده برداشت؛ ادعایی که نخستین بار از طریق شبکه اجتماعی دونالد ترامپ مطرح شد. با این حال، فایننشال تایمز تأکید می کند که هیچ کدام از مقامات رسمی در تهران یا تل آویو این خبر را تأیید نکرده اند و جزئیات آن همچنان مبهم باقی مانده است. این رسانه همچنین به واکنش بازارهای جهانی اشاره کرده، می نویسد بهای نفت کاهش یافت و شاخص های بورس در پی این خبر رشد نشان دادند. بر اساس گزارش های رویترز و فایننشال تایمز، بازارهای مالی به طور مثبت واکنش نشان داده اند. قیمت نفت خام حدود ۳ تا ۴ درصد کاهش یافته، بازار بورس ایالات متحده صعودی شده و ارزش دلار نیز اندکی افت کرده است؛ نشانه ای از آسودگی موقت بازارها در برابر تنش های منطقه ای. فایننشال تایمز می نویسد که اعلام ترامپ با واکنش هایی متضاد در آمریکا روبه رو شد: برخی از نزدیکان سیاسی او از این خبر استقبال کردند، اما تحلیلگران باسابقه نسبت به واقعیت و دوام چنین توافقی ابراز تردید کردند. فایننشال تایمز بر این نکته تأکید دارد که کاهش تنش نه در نتیجه یک آتش بس ناگهانی، بلکه حاصل دیپلماسی فعال کشورهای حاشیه خلیج فارس و نقش آفرینی ایالات متحده بوده است. این رسانه همچنین گزارش می دهد که رهبران اروپایی خواهان بازگشت ایران به میز مذاکرات هسته ای، تنها در صورت توقف کامل درگیری ها هستند.

واشننگتن پست در پوشش لحظه به لحظه خود به ادعای ترامپ اشاره اما در عین حال بر سکوت اسرائیل و ابهام گویی مقامات ایرانی تأکید کرد. این روزنامه نوشت وزیر خارجه ایران اعلام کرده است که ایران آمادگی دارد تا آتش بس را به رسمیت بپذیرد، اما تأیید رسمی آن را منوط به توقف کامل درگیری ها می داند. این موضع گیری، به ویژه دربارۀ برنامه هسته ای ایران، دوباره آغاز نشود، هر گونه آتش بس صرفاً یک توقف موقت خواهد بود، نه گامی به سوی صلح پایدار.

بازارهای مالی، نشانه هایی از آرامش موقت از خود نشان دادند که گویای حساسیت شدید اقتصاد جهانی به تنش های منطقه ای است. میانجی گری های کشورهای خلیج فارس و تلاش اروپا برای احیای دیپلماسی، نشانه هایی از تلاش برای معماری سیاسی تازه هستند. تحلیلگران، آتش بس را نه یک صلح پایدار بلکه وقفه ای تاکتیکی و شکننده می دانند.

همکاری طرف مقابل سخن گفته اند. تحلیلگران شلیک موشک های پیش از اعلام آتش بس را اقدامی از سوی ایران برای افزایش اهرم فشار در میز مذاکره می دانند.

جمع بندی و چشم انداز | بازارهای مالی، نشانه هایی از آرامش موقت از خود نشان دادند که گویای حساسیت شدید اقتصاد جهانی به تنش های منطقه ای است، میانجی گری های کشورهای خلیج فارس و تلاش اروپا برای احیای دیپلماسی، نشانه هایی از تلاش برای معماری سیاسی تازه هستند. تحلیلگران، آتش بس را نه یک صلح پایدار بلکه وقفه ای تاکتیکی و شکننده می دانند. هر چند برخی تیترها از پایان «جنگ ۱۲ روزه» می گویند اما واقعیت میدانی همچنان ناپایدار و پرتنش است. بدون تأییدهای رسمی و در سایه ادامه درگیری ها، آتش بس اعلام شده بیش از آنکه یک توافق واقعی باشد، به «نمایشی دیپلماتیک» شباهت دارد؛ نمایشی با تکیه بر اهرم رسانه ای ایالات متحده و تلاش های پشت پرده کشورهای عربی، نه یک توافق رسمی میان دو طرف نزاع. کارشناسان هشدار می دهند: اگر مسیر گفت و گوی دیپلماتیک، به ویژه دربارۀ برنامه هسته ای ایران، دوباره آغاز نشود، هر گونه آتش بس صرفاً یک توقف موقت خواهد بود، نه گامی به سوی صلح پایدار.

گزارش

ایران، سرافراز در قرن ترس

در حالی که ده ها کشور برابر تجاوز های نظامی آمریکا سکوت کردند، ایران دوبار با حملات موشکی مستقیم به پایگاه های

آمریکایی پاسخ داد؛ یکی در عراق، دیگری در قطر

شامگاه دوشنبه، جهان بار دیگر با خبری غیرمنتظره از ایران مواجه شد: حمله موشکی مستقیم به پایگاه العدید، بزرگ ترین پایگاه هوایی ایالات متحده در منطقه. این حمله که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام شد، در پاسخ به «تجاوز آمریکا به تاسیسات هسته ای ایران» صورت گرفت و با نام رسمی «بشار فتح» به ثبت رسید. حمله موشکی ایران، شامل دست کم ۱۰ فروند موشک کوتاه برد و میان برد، نخستین حمله مستقیم به این پایگاه از زمان تأسیس آن در ۱۹۹۶ بود. واقعیت مهم تری در پس این حادثه نهفته بود: جسارت کشوری که در قلب منطقه که بدون آنگاه قدرت های جهانی، به صورت رسمی، علنی و بی واهمه منافع حیاتی نظامی آمریکا را هدف قرار داد.

این حمله، به جای انتقام جویی، مسیر سازگاری و توسعه اقتصادی را در پیش گرفت. کره شمالی با آن همه لفاظی و آزمایش های موشکی، هنوز هیچ گاه حمله مستقیمی به پایگاه های آمریکا انجام نداده است.

جهان در حسرت جسارت ایرانی

از آمریکای لاتین تا خاورمیانه، کشورهای هستند که خاطراتی تلخ از مداخلات نظامی، کودتاها و تحریم های آمریکایی دارند؛ از شیلی و نیکاراگوئه گرفته تا لیبی و سوریه. بسیاری از این کشورها، یا از هم فروپاشیدند یا مجبور شدند به ناچار با قدرتی که به آن ها تجاوز کرده بود کنار بیایند. در سال ۲۰۱۱، آمریکا با ائتلاف ناتو، حکومت معمر قذافی در لیبی را اساقط کرد. لیبی از آن زمان تاکنون روی ثبات ندیده و به محل رقابت شبه نظامیان، قاچاقچیان و قدرت های خارجی بدل شده است. هیچ پاسخ نظامی به آن حمله داده نشد. در سودان، یمن و سومالی، حملات پهلپادی و مداخلات نظامی آمریکا بدون پاسخ جدی باقی ماندند. حتی چین و روسیه، با وجود نقش ابرقدرتی، همواره از درگیری مستقیم با آمریکا اجتناب کرده اند؛ چراکه هزینه تقابل نظامی با ایالات متحده را برای



انتقام سخت در عین الاسد؛ ضرب های که فراموش نمی شود

چهار سال پیش، ژانویه ۲۰۲۰، نخستین بار بود که ایران اعلام کرد دوران «بزن و درو» به پایان رسیده است. ترور حاج قاسم سلیمانی، فرمانده محبوب و دلیر نیروی قدس سپاه، توسط پهپادهای آمریکایی در نزدیکی فرودگاه بغداد، نقطه عطفی در روابط ایران و آمریکا شد. چند روز بعد، بیش از ۱۲ موشک زمین به زمین از ایران به سمت پایگاه عین الاسد در غرب عراق شلیک شد؛ یکی از مهم ترین پایگاه های آمریکا در خاک عراق، که نقش کلیدی در فرماندهی عملیات های منطقه ای داشت. این حمله به شکلی دقیق و هوشمندانه طراحی شده بود تا ضمن تخریب بخش هایی از پایگاه، تلفات انسانی را به حداقل برساند. این عملیات، نه تنها نخستین حمله موشکی مستقیم یک کشور به یک پایگاه فعال آمریکایی از زمان جنگ جهانی دوم بود، بلکه پیامی قاطع به تمام جهان ارسال کرد: جمهوری اسلامی ایران نه تنها توانایی، بلکه اراده پاسخ گویی به تجاوز آمریکا را دارد.

ملتی که تلافی را فراموش نکردند، اما نتوانستند

در صد سال گذشته، ایالات متحده آمریکا بارها و بارها به کشورهای مختلف حمله نظامی کرده یا با سرنگونی دولت ها، تاریخ آن ملت ها را دگرگون کرده است. اما جز ایران، هیچ کشوری جسارت آن را نداشت که پاسخ مستقیمی به این اقدامات بدهد، حتی کشورهایی با زرادخانه های اتمی و تاریخچه های نظامی قدرتمند. ویتنام، با وجود آنکه موفق شد در میبدف نبرد ارتش آمریکا را وادار به خروج کند، هرگز اقدامی برای هدف گیری خاک آمریکا یا منافع مستقیم نظامی آن انجام نداد. این کشور، که طی دو دهه جنگ،

یادداشت

درباره محسن چاوشی و واکنش به موقع او به تجاوز و خشپایانه اسرائیل

که ما هنوز زنده‌ایم؛ درست مثل امید



این جا ببینید



محمدعرفان صدیقیان
هفت صبح

احتمالا اگر امروز «سایه» زنده بود، از غریب بودن این روزگار پر آشوب سرودهای نو می‌نوشت. شعله‌های آتش جنگ تحمیلی میان ما و رژیم اسرائیل هر روز بیشتر زبانه می‌کشد و گویی این واقعه شوم، هر لحظه ابعادی تازه پیدا می‌کند. اصلا دیگر مهم نیست دو هفته پیش دغدغه روزمره هر یک از ما چه بوده است، حالا دیگر همه قلب‌ها فقط برای «ایران» می‌تپد. همه چیز محدود به دو قطب خیر و شر شده و ضلع سومِی هم وجود ندارد. مردم با ملغمه غربیی از نگرانی، اندوه، استیصال و البته امیدواری نظاره‌گر این روزهای پراشوبند.

❖ فریاد عشق وطن

بی‌وفایی دنیا را از شاعران شنیده بودیم، اما جوری با رویاهای دور و دراز و آرزوهای رنگارنگ سر گرم بودیم که انگار خیلی‌ها نمی‌دانستیم که این بی‌وفایی یعنی چه. که اصلا چطور می‌شود یک شبه همه آن آرزوهای پر طول و تفصیل سابق رنگ ببازند و همه چیز حول مفهوم «وطن» معنی شود. آدم‌های شهر تبدیل‌شده‌اند به جان‌های بی‌قرار «ایران» و هر کسی در گوشه‌ای با بیم و امید و در سکوت عشق به وطن را فریاد می‌زند.

❖ ذوق میان خیابان‌های خاطرات

دوازده روز از شروع جنگ گذشته و حالا هر روز عصر که به خانه برمی‌گردم، همچنان طبق عادت همیشگی خیابان‌های کریمن‌خان، ویلا و ایرانشهر را قدم می‌زنم و از اینکه روز به روز شهر شلوغ‌تر می‌شود، مثل کودک نابالغ ذوق می‌کنم. باورم نمی‌شود که دلم برای ترک ترافیک تهران دود زده تنگ شده باشد!

❖ کتب تاریک و غریبانه

دل همه‌مان نازک شده، حتی برای غریبه‌های آشنا مدام دل‌تنگ و نگران می‌شویم. از شما چه پنهان دیروز بعد از ماه‌ها به کافه‌ای سر زدم که روزگاری برایم مامن رویا و شور زندگی بود. بگذریم که هیچ شباهتی به گذشته نداشت و در دل فضای تاریک و غریبانه آن، تنها من بودم و زوج جوانی که سعی می‌کردند تشویش عذاب‌آور درونی خود را از چشم هم پنهان کرده و نجاوهای عاشقانه خود را با لمس دست‌ها و قدرت چشم‌ها باز بگویند.

❖ خبری از چاوشی رسید

خبر می‌آید که محسن چاوشی قرار است امشب قطعه‌ای تازه منتشر کند. برای ما که جوانی‌مان گویی با بی‌قراری‌های دائمی پیوندی همواره برقرار دارد، صدای او هرهمی جادویی است که اول جای زخم را خوب می‌خراشد و بعد در عین ناباوری، به خود می‌آیی و می‌بینی که دردت را تسکین داده است.

❖ چاوشی از دیروز تا امروز

سال‌های ابتدایی دهه هشتاد که ترک‌های چاوشی تازه گل کرده بود، نوجوانی نابالغ بودم و خوب یادم است که با انتشار هر قطعه تازه او، لحظه شماری می‌کردم تا ساعت درس و مدرسه پایان یابد و در خلوت معصومانه خود به صدای معرضی گوش بدهم که از جفای یار به تنگ آمده بود و می‌خواست تیغ را روی رگ‌های خود بکشد!

❖ قطعه‌هایی از دل اجتماع

سال‌ها گذشت، او با «سسنستوری» جایگاه خود را تثبیت کرد و آرام آرام راهی برای ورود به مارک حرف جریان اصلی پیدا کرد. در همه این سال‌ها او در سکوت و بدون هیچ حرف و حدیث و حاشیه‌ای کار خود را پیش برده است. اگر موضوعی اجتماعی توجه او را به خود جلب کرده، در عوض به راه انداختن قیل و قال در فضای مجازی و انتشار ویدئوهایی لایک خور، قطعه‌ای تازه منتشر کرده و با سوز صدای خود، دغدغه‌های یک نسل را فریاد زده است.

❖ هوش اجتماعی هنرمند

داشتن هوش اجتماعی و تشخیص درست از غلط در موقعیت‌های پیچیده برای یک هنرمند موهبت است. چاوشی بلد است که چطور باید خود را از نگاه و جهت‌گیری‌های سیاسی دور نگه دارد و در عین حال، در שמایل یک معترض مصالح ظاهر شود. او به آرمان‌ها و عقاید شخصی خود پایبند است و درست در زمانه‌ای که در برخی تلاش می‌کنند به واسطه قواعد نانوشته و نیم‌بند جهان مدرن، ریشه‌های مذهبی خود را اتکار کنند، او از عشق به علی(ع) و حسین(ع) می‌گوید و آنچنان عمیق و خالص درونیات خود را ابر-آزمی‌می‌کند که برای مخاطب چهره‌ای جز غلتیدن اشک روی گونه باقی نمی‌گذارد.

❖ او ملاتا تا شهرزاد

چاوشی به این راز مهم پی برده که تنها ثمره مانای زندگی «عشق» است و بس. او ابتدا جوهره وجودی این مفهوم را با واژه‌هایی کوبیده عیان کرده تا مغز استخوان رسوخ می‌کند و بعد با پیوندی غریب، پلی میان دنیای خاکی و عالم وجود پدید می‌آورد و نشوده را به حیرت می‌اندازد. زمانی معشوق را این زمینی‌فرض می‌کند که برای شاهرزاد، در قامت «شهرزاد» می‌دوزد و گاهی به مولانا توسل جسته و در سبکی امروزی، از دره‌های چند صد ساله می‌گوید.

❖ خلوت گزیده دغدغه‌مند

کدام ستاره موسیقی پاپ را می‌شناسید که از شهوت دیده شدن فراری بوده و در خلوت کار خود را پیش برده باشد؟ در دنیایی که پله‌های موفقیت اگر بر کسب ثروت نباشد، اصل ماجرا زیر سوال است، او دغدغه اجتماعی خود را بر آزادی زندانیان غیرعمد و بدهکار بی‌بریزی می‌کند و آنچنان در کسب اعتماد مردم موفق استست که برای رهایی یک بی‌گناه از بند، تنها اشاره‌ای از سوی او کافی است تا مبلغ مورد نیاز به سرعت جمع آوری شود.

❖ علاج و دمن

حالا و در میان یک جنگ تمام عیار او با هم‌زم به میدان آمده تا با صدایی پر صلابت، راه «علاج» وطن را در داخل کشور جست‌وجو کند. همکاری تازه او با کاظم بهمنی، شاعر معاصر یک شاهکار اجتماعی است و به صورت توانمان خصلت‌هایی نظیر امیدآفرینی، همبستگی اجتماعی و اشاره به بنیان‌های پوشالی دشمن سفاک را بازتاب می‌دهد.

صدایت همیشه جاولان باد

آقای خاص موسیقی ایران

روایت فراموش‌شده زنان هنرمندی که در جنگ جهانی دوم، با قلم‌مو به میدان رفتند

زنان در سایه آتش و جنگ

گروه فرهنگ و هنر | در میان هیاهوی تاریخ‌نگاری مردانه، جایی در گوشه‌ای تاریک از موزه‌ها و بایگانی‌ها، آثاری از هنرمندانی وجود دارد که نه در میدان نبرد، بلکه در خطوط پشت‌صحنه جنگ جهانی دوم حضور داشتند. زنان نقاشی که با قلم‌مو، غبار و خون را بر بوم ثبت کردند. سال‌ها گذشت تا جهان، سرانجام به این زنانی که جنگ را زیسته و تصویر کرده بودند، نگاهی دوباره بیندازد. اکنون، در دوران بازنگری تاریخ هنر، نام‌هایی چون دوریس زینکایزن، مریال کولیه و آنیسا نوتل دوباره زنده شده‌اند.

❖ تاریخ نانوشته جنگ

در حالی‌که جنگ جهانی دوم صدها مرد نقاش و مجسمه‌ساز را به خدمت فراخواند، تعدادی از زنان نیز با بودجه‌ای اندک، آثار او نه فقط منحصربه‌فرد به خطوط مقدم اعزام شدند. آن‌ها نه فقط برای ثبت وقایع، بلکه برای انتقال احساسات، ترس‌ها و تاب‌آوری روزمره سربازان، پرستاران و مردم کوچ‌و به بازار تلاش می‌کردند. اما آثار این زنان کمتر در نمایشگاه‌ها دیده شد، کمتر نقد شدند و به ندرت در کتاب‌های زن بودند. در سنت مردسالارانه هنر غرب در دهه ۱۹۴۰، «جنگ» همواره قلمرو مردان به شمار می‌رفت.

❖ دوریس زینکایزن: نقاش اردوگاه مرگ

دوریس زینکایزن، که تا پیش از جنگ بیشتر برای طراحی لباس در تئاتر شناخته می‌شد، یکی از نخستین زنانی بود که از سوی دولت بریتانیا به عنوان «هنرمند رسمی جنگ» منصوب شد. اما آن چه سرنوشته هنری او را رقم زد، سفرش به اردوگاه مرگ «برگن-بیلزن» در آلمان بود. وی اندکی پس از آزادی اردوگاه توسط متفقین به آن جا رسید.



❖ **آنیسا نوتل: چهره‌ها در سایه آتش**
آنیسا نوتل، یکی دیگر از هنرمندان فراموش شده، با رنگ‌های تیره و ضربه‌های سسگین قلم‌مو، چهره‌هایی خلق کرد که در آتش و دود محو می‌شدند. او جنگ را نه به عنوان رویدادی قهرمانانه، بلکه به عنوان کابوسی انسانی نقاشی می‌کرد. در برخی آثارش، تنها یک چهره زن یا کودک دیده می‌شود که در پس‌زمینه‌ای شعله‌ور گم شده است. نقاشی‌های نوتل امروزه در برخی حراج‌های هنری بازفروش می‌شوند، اما تا همین اواخر هیچ‌گاه در موزه‌های ملی انگلستان به‌طور جدی نمایش داده نشده بودند.

❖ چرا این زنان مهم‌اند؟

این پرش ساده، پاسخ‌هایی عمیق دارد. این زنان نه فقط روایتگر جنگ، بلکه حامیان نگاهی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی،باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

چون برابر رای شماره ۱۰۲۹-۱۱۴۷۰-۳۰۱۴۰۴۶۰۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۲/۱۵ منضم به نامه شماره ۱۰۳۰-۳۰۱۱۴۷۰-۳۰۱۴۰۴۶۰۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۲/۱۵ صادره از هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مفروزی و مالکانه و بلامعارض خاتم قمر مددی فرزند محمدعلی بشماره شناسنامه ۲۴۴۸ یا شماره کد ملی ۴۳۹۰۷۸۴۷۱۴ متقاضی پرونده کلاسه ۲۲۴۶۰۰۰۲۲۴-۱۴۰۳۱۱۴۴۰۱۱۴۷۰۰۰ نسبت به ششداگ یک قطعه زمین با پناای احدثائی به مساحت ۴۶/۴۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۲۵ اصلی واقع در تهران بخش ۱۰ تهران محرز شده است لذا به منظور اطلاع ذوی الحقوق و شرکای مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم و گواهی آنرا به این اداره ارائه نمایند بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی و عدم وصول واخواهی و اعتراض طبق مقررات اقدامات مقتضی بعدی معمول خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۰

۱۹۴۵۵۹۳ شناسه آگهی

آگهی احراز تصرفات، موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی آن مصوب ۹۰/۰۹/۲۰

نظر به اینکه به استناد رای شماره ۱۰۲۶۰۰۰۱۸۷-۳۰۱۴۰۴۶۰۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۲/۱۱ رسیدگی کننده هیات موضوع پرونده کلاسه شماره ۲۳-۱۰۲۵۰۰۰۳۰۲۱۱۴۴۰۱۰۲۵۰۰۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۲/۱۱ تصرفات بلامعارض آقای محمد علی آبادی آزاد بشماره شناسنامه ۵۹۰ صادره از شمیران فرزند عباس نسبت ششداگ یک باب ساختمان بمساحت (۴۱۲ مترمربع) چهارصد و دوازده متر مربع در خلاه بین پلاک ۵۷ فرعی و باقیمانده ۴۲ فرعی از ۴۶ اصلی به صورت مفروز و ششداگ واقع در بخش ۱۱ تهران حوزه ثبتی قلیک به نام نشانی تهران خیابان بنی هاشم نرسیده به میدان خیابان کیمسای انتهای کوچه بهمن قاضی ضلع غربی پلاک ۱۷ بن بست دامن پلاک ۱۱ انتقالی از ستاد اجرائی فرمان حضرت امام (ره) واگذار شده که نسبت به سند مالکیت مشاعی نامبردگان احراز شده و نسبت به مقدار مذکور پلاک ۲۱۳۴۶ فرعی تعیین گردید. لذا به استناد ماده ۳ قانون مذکور مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا تانچته شخص و یا اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی نسبت به موضوع صدور سند بنام متقاضی مذکور هر گونه اعتراضی دارند ظرف مهلت دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی، به این اداره مراجعه و ضمن اعلام اعتراض واخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به دادگاه عمومی محل وقوع ملک تقدیم نموده و گواهی مربوطه را از دادگاه اخذ و به این اداره تحویل نماید در غیر اینصورت پس از سپری شدن مهلت مقر، سند مالکیت وفق مقررات صادر خواهد گردید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۰

۱۹۴۵۵۶۸ شناسه آگهی



دفاع مقدس تا امروز، کوشیده‌اند تجربیات زنانه از جنگ، تبعیض و سوگو را به تصویر بکشند. آثاری چون عکس‌های نینوسا تابش کولیان از زنان جوان عزادار، یا پروژه‌های تصویری درباره مهاجرت و پناهجویی، همگی ریشه در همین سنت تصویری دارند.

نمایشگاهی که امسال در موزه جنگ امپراتوری لندن برگزار شد، نخستین تلاش جدی برای معرفی این زنان به عنوان بخشی رسمی از تاریخ هنر جنگ بود. آثاری که دهه‌ها در بایگانی مانده بودند، سرانجام دیده شدند، نقد شدند و در گفت‌وگوهایی معاصر جای گرفتند.

شاید این گام، آغازی باشد برای بازخوانی زنانی که در تاریخ هنر و جنگ فراموش شدند. زنانی که نشان دادند هنر می‌تواند از دل خاکستر، دوباره جان بگیرد.



متفاوت به خشونت، مرگ و مقاومت بودند. آن‌ها لحظاتی را ثبت کردند که شاید یک مرد نظامی نمی‌توانست یا نمی‌خواست ببیند: اشک یک پرستار پس از مرگ بیمار، خستگی کارگر زن پشت خط تولید، یا کودکی که میان آوار با عروسکی کهنه بازی می‌کند.

❖ تأثیر جهانی و پیوند با ایران

تجربه زنانی چون زینکایزن یا کولیه، می‌تواند الگویی الهام‌بخش برای هنرمندان زن ایرانی باشد. بسیاری از زنان هنرمند در ایران، از دوران

هنر

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۰۸۳ | چهارشنبه ۲ تیر ۱۳۰۴ | هنر

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۰۱۸۹-۳۰۱۰۷۸۰-۴۴۰۴۰۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۲/۱۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای غلامحسین مولایی فرزند رزاق بشماره شناسنامه ۵۰۴۸۸ صادره از زنجان در ششداگ یک قطعه زمین با پناای احدثائی در آن به مساحت ۴۷/۲۳ متر مربع پلاک ۱۳۲۳ فرعی از ۲ اصلی قطعه سوم واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای کریم ملکی زندی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۰

۱۹۴۵۵۲۴ شناسه آگهی

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵-۳۰۱۰۷۸۰-۴۴۰۴۶۰۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد حسین زمری فرزند غلامرضا بشماره شناسنامه ۱۶۲۱ صادره از تاکستان در ششداگ یک قطعه زمین با پناای احدثائی در آن به مساحت ۵۰۲/۶۵ متر مربع پلاک ۱۲۱۱ فرعی از ۲ اصلی قطعه سوم واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی قاطمه و مهین و فرنگیس و مهرانگیز همگی کلهر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۰

۱۹۴۵۵۲۶ شناسه آگهی

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی،باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۵۵۰-۳۰۱۱۴۷۰۰۰۱۴۰۴۶۰۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مفروزی و مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم صفری حبیری فرزند اصغر به شماره ملی ۰۰۲۵۱۵۸۰۲۶ شنشداگ یک قطعه زمین با پناای احدثائی در آن به مساحت ۱۴۰/۹۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۲۴ -اصلی واقع در بخش ۱۰ تهران حوزه ثبت زبیا دشت خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۰

۱۹۴۵۵۸۳ شناسه آگهی

سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران - محمدعلی ابراهیمی

خواد پورزند
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان
از طرف غلامرضا فاسمی



نابه سامانی در برگزاری امتحانات پایان سال تحصیلی دانش آموزان

آقا اجازه! کی امتحان بدیم؟

حمیدرضا خالدی
هفت صبح

جنگ بی‌شک تبعات گوناگونی دارد. برای خردسالان، برای سالخوردگان، برای معلولان و حتی دانش آموزان. حتی اگر ۱۲ روزه و حالا به آتش‌بس رسیده باشد. این بار جنگ بین ایران و اسرائیل اما برای گروهی از دانش آموزان زیادی را به همراه داشت. به حدی که حالا می‌گویند: «ای کاش چند روز دیرتر آغاز می‌شد تا ما امتحانات مان تمام شود» دلیل آن هم واضح است. جنگ در حالی

امتحانات صوری

در چنین شرایطی، جست‌وجوهای میدانی خبرنگار هفت صبح، حکایت از آن دارد که برخی مدارس در شهرهای بزرگ در حال برگزاری کلاس‌ها و امتحانات هستند. ادریس، از دانش آموزان «قلبیت» تهرانی در مقطع متوسطه است که این روزها مجبور است برای امتحان دادن، به مدرسه برود. وی که کلاس دهم را پشت سر می‌گذارد در این خصوص می‌گوید: «در روزهای اول جنگ مجبور شدیم برویم یکی از امتحانات مان را بدهیم ولی خیلی از بچه‌ها نیامده و مسافرت بودند. ما هم که رفته بودیم به خاطر شرایط جنگی اصلا حوصله و تمرکزی برای درس خواندن نداشتیم و معلوم است که چنین امتحانی، چه نتایجی را به همراه خواهد داشت!» خنده تلخی می‌کند و ادامه می‌دهد: «می‌دونید جالبی کار گیج بود؟ اینکه بعدش اعلام کردن هر کس در این امتحان شرکت نکرده یا نمره خوبی نگرفته، می‌تواند در زمانی که بعدا اعلام می‌شود دوباره امتحان بدهد! این یعنی اوج برنامه‌ریزی و هماهنگی در بین مدیران آموزش و پرورش!»

این تصمیم‌های عجیب در حالی گرفته می‌شود که هنوز بسیاری از خانواده‌های این دانش آموزان در مسافرت‌های ناشی از جنگ اخیر هستند و همین امر باعث شده تا گروهی از آنها ضمن تماس با مراجع آموزش و پرورش از آینده تحصیلی فرزندان خود ابراز نگرانی و از بی‌برنامگی وزارتخانه در این مورد به شدت انتقاد کرده‌اند.

همچنان بلا تکلیف

اما در چنین شرایطی تکلیف این همه ناهماهنگی در برگزاری امتحانات باقی مانده آموزش و پرورش چه خواهد شد؟ «علی‌فرهادی» سخنگوی وزارت آموزش و پرورش اخیرا در این زمینه درباره امتحانات داخلی مدارس گفته است قطعا باید برگزاری امتحانات باقی مانده طوری برنامه‌ریزی شود که به سال تحصیلی جدید آسیبی وارد نشود. وی ادامه داد: «اگر شرایط به خوبی پیش برود این آزمون‌ها نیز به زودی برگزار خواهد شد ولی اگر شرایط مناسب نبود برنامه برگزاری امتحانات به دانش آموزان اطلاع رسانی می‌شود.

در واقع سخنان فرهادی مهر تاییدی است بر این مدعا که آموزش و پرورش هنوز تصمیمی برای ادامه برگزاری آزمون‌های باقی مانده ندارد.

آزمون بی‌هیچ!

محمداباقری به رویه تصمیمات ضد و نقیض مسئولان آموزش و پرورش در این زمینه اشاره کرده و ادامه می‌دهد: «در حالی که سال تحصیلی جاری با بهانه‌های مختلف با دلیل و بی‌دلیل مدارس، تعطیلات زیادی داشتیم انتظار می‌رفت در چنین شرایطی، آزمون‌ها لغو شود اما کمتر از ۲۴ ساعت مانده به شروع امتحان، آموزش و پرورش در اطلاعیه‌ای اعلام کرد آزمون‌های ۲۵ خرداد به قوت خود پابرجاست! بچه‌ها تمرکز کافی برای مطالعه نداشتند. در چنین شرایطی و در ساعات باقی مانده، معلمان فقط می‌توانستند تلاش کنند تا در ارتباط موثر با دانش آموزان خود، ضمن

آغاز شد که هنوز تعدادی از امتحانات برخی از مقاطع تحصیلی به پایان نرسیده بود. در همان روزهای نخست آموزش و پرورش اعلام کرد که امتحانات در زمان مقرر خود برگزار می‌شود اما بعد از آزمون روز ۲۵ خرداد که با غیبت قابل توجه دانش آموزان همراه بود، طی اطلاعیه‌ای دستور لغو امتحانات مدارس را صادر کرد. اما از آن زمان تا امروز هنوز خبری در مورد زمان قطعی برگزاری این امتحانات منتشر نشده است. در واقع به نظر می‌رسد همچنان تصمیم خاصی برای برگزاری این امتحانات گرفته نشده است. در همین خصوص، در

دعوت بچه‌ها به آرامش، آنها را برای امتحانات ۲۵ خرداد آماده کنند.» با این حال و به گفته وی، امتحان ۲۵ خرداد در حالت تعطیلی کشور، با غیبت تعداد زیادی از دانش آموزان و در حالی که هر لحظه احتمال خطر وجود داشت، برگزار شد که طبیعتا متأسفانه نتایج خوبی را نیز به همراه نداشت. وی در این زمینه با نگرانی می‌گوید: «واقعیت این است که برگزاری آزمون در فضای ناامن کشور، ریسک بزرگی بود که می‌توانست جان فرزندانمان را به خطر بیندازد طبیعی است که در چنین شرایطی دانش آموزانی که سر جلسه امتحان حاضر شده بودند هم نتوانند امتحان خود را به خوبی پشت سر بگذارند. در واقع تصمیم‌های ضد و نقیض مسئولان آموزش و پرورش و آماده نبودن آنها برای شرایط بحرانی، باعث چند برابر شدن استرس و سلب آرامش روحی و روانی دانش آموزان شد.»

بعد از آن بود که از ۲۶ خرداد مدارس تعطیل شد و تا امروز تکلیف آزمون‌های باقی مانده مشخص نشده و نگرانی دوسه امتحان برگزار نشده نیز افزون شده است. محمد باقری با اشاره به تاثیر چنین تصمیم‌گیری و بی‌برنامگی‌هایی روی دانش آموزان می‌گوید: «همانطور که می‌دانید، کودکان و نوجوانان از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه در شرایط جنگی محسوب می‌شوند. آنها تا چند روز قبل فقط نام جنگ را شنیده بودند و درکی از جنگ و بمباران و موشک نداشتند اما این روزها با عمق جان جنگ و زشتی‌های آن را حس کردند بنابراین قطعا پیامدهای این تنش‌ها بر سلامت روح و روان دانش آموزان ما تاثیر می‌گذارد.»

وی معتقد است که شنیدن مداوم اخبار، رویارویی مستقیم با جنگ و اثرات مخرب آن می‌تواند سطح استرس و اضطراب فرزندان را افزایش داده و حس ترس و نگرانی را در آنها نهادینه کند.

نقش متولی در مواقع بحرانی

اما در چنین شرایطی، ناهماهنگی در آموزش و پرورش چقدر می‌تواند در تشدید یا کاهش اضطراب و استرس دانش آموزان موثر باشد؟ محمد باقری در این زمینه می‌گوید: مسلما در شرایط بحرانی آموزش و پرورش با ایفای نقش حمایتی و با اتخاذ تصمیم‌های مناسب و اطلاع‌رسانی دقیق می‌تواند اضطراب خانواده‌ها و دانش آموزان را به حداقل برساند. مثلا با توجه به شروع تعطیلات تابستانی می‌توان از بستر شاد به عنوان راه ارتباطی با بچه‌ها کمک گرفت.

این کارشناس آموزشی همچنین به عنوان راهکاری برای عبور از چنین مواردی می‌گوید: برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت، ارائه خدمات مشاوره‌ای مناسب برای دانش آموزان و والدین، راه‌های مقابله با بحران، خدمات آموزشی مناسب برای رفع ضعف تحصیلی و... می‌تواند در چنین شرایطی تا حدی استرس را از فرزندانمان دور کند.

وی به لزوم تشکیل کمیته‌هایی در آموزش و پرورش برای مواقع بحرانی اشاره کرده و می‌افزاید: «گویا وزارت آموزش و پرورش در تلاش است با ایجاد کمیته‌هایی مانند کمیته ثبت‌نام، برنامه‌ریزی و روابط عمومی و اطلاع‌رسانی ساختار جدیدی برای

تصمیم‌های استرس‌زا

در کنار همه این ناهماهنگی‌ها همچنان یک نکته بدون پاسخ باقی است. اینکه چنین ناهماهنگی‌هایی چه تاثیری بر کیفیت امتحانات دانش آموزان و آینده آنها خواهد گذاشت؟ «نسرن محمدباقری» کارشناس آموزش در پاسخ به این سوال به «هفت صبح» می‌گوید: چه بخواهیم و چه نخواهیم، شرایط عادی و روزمره زندگی تغییر کرده است. شنیدن صدای انفجار و پدافند، آرامش را از شهروندان سلب کرده است. در این میان بسیاری از خانواده‌ها از همان روزهای اولیه جنگ، شهر محل سکونت خود را ترک کرده و به مناطق امن‌تر رفته‌اند. فرزندان دانش آموز آنها نیز هم‌ای والدین خود، به طور مداوم اخبار جنگ را دنبال می‌کنند.

وی این شرایط را استرس‌زا برای دانش آموزان می‌داند و می‌گوید: در حالی که امتحانات دانشگاه به شهریور موکول شده،

خود تعریف کند. این خیلی خوب است ولی امیدواریم این کمیته‌ها حالت تشریفاتی نداشته باشد» و بالاخره اینکه این دبیر کهنه‌کار کشور به نقش نهادهای فرامرزی دخیل در بحث آموزش دانش آموزان اشاره کرده و می‌گوید: همچنین انتظار می‌رود سازمان‌های بین‌المللی با تدوین قوانین و سیاست‌های مناسب حفاظت از جان کودکان و کاهش آسیب‌های ناشی از جنگ را به حداقل برسانند.

نیست اما اگر بتوانیم لحظه‌ای از انگ‌زادپرستی و فاشیستی دور شویم و از جایی دورتر از نگاه احساسی و شعارهایی که حتی در مواردی شبیه ایدئولوژی سازمان یافته است، به حضور مهاجران افغان نگاه کنیم، احتمالا می‌بینیم که در میان بسیاری از آن‌هایی که در ایران هستند، بنیادگرایی باورمند به اندیشه‌های طالبان هم حضور دارند. حتی بسیاری از آن‌ها پس از قدرت گرفتن طالبان خوشحال بودند که این، در تصاویر منتشر شده از جشن پیروزی طالبان در مشهد مشهود است. پس در اینجا این فرضیه که آن‌ها از ترس جانشان از طالبان گریختند و به ما پناه آوردند، اگر از بین نرود، حداقل کمرنگ خواهد شد. به خصوص اینکه طالبان، هیچ دیپلماسی و تعامل جز جنگ نمی‌شناسد و کوچک‌ترین مسئله‌ای را تبدیل به یک چالش، و عاملی برای تحریک بخشی از افغانستانی‌های موافق خود، -به‌ویژه پشتون‌ها- که در ایران هستند می‌کند. این نگرانی‌ها پیش از این بارها در مجلس شورای اسلامی هم بیان شده بود؛ همان‌طور که فلاح‌ت‌پیشه، در روایت بازپدیش از کمپ مهاجران افغانستانی داخل ایران گفته بود: «من با این مهاجران صحبت کردم، این‌ها می‌گفتند ما وقتی وارد ایران می‌شویم بعد از ۲۴ ساعت جای خواب ما و بعد از ۴۸ ساعت شغل ما مشخص است، انگار یک سیستمی وجود دارد، پشت این مهاجرت‌ها یک سازمانی وجود دارد که بلافاصله برای مهاجرین جای خواب و شغل مشخص است، درحالی‌که هیچ ایرانی نمی‌تواند بعد از ۴۸ ساعت به شغل برسد، این‌ها واقعیت‌هایی است که نشان می‌دهد موضوع مهاجران افغانستان از یک مهاجرت مربوط به زندگی شخصی افراد جای خودش را به یک مهاجرت سازماندهی شده داده است که می‌تواند در عرصه‌های مختلف تاثیر گذار باشد.»

نکته بعدی، افزایش نرخ زادوولد در خانواده‌های افغانستانی و روند کاهشی در خانواده‌های ایرانی است که در بلندمدت، ترکیب جمعیتی کشور را نامتوازن خواهد کرد و سهم مهاجران افغانستانی را در تأثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی و انتخاباتی و فرصت‌های شغلی افزایش خواهد داد. نگرانی دیگر هم احتمال ورود نیروهای طالبان یا داعش به ایران در میان مهاجران افغانستانی و یا جذب مهاجران، توسط داعش خراسان از داخل ایران است. این نگرانی با عملیات‌های تروریستی که در کرمان و شیراز توسط داعش خراسان انجام شد، قوت گرفت. چراکه تعداد بالایی از این مهاجران، به‌خصوص آن‌ها که بدون استعلام و غیرقانونی وارد کشور می‌شوند، درآمد پایدار ندارند و امکان جذب آن‌ها در گروه‌های تروریستی، قاچاق، جاسوسی و زمان‌بازدیش از کمپ مهاجران مخل امنیت ملی است، افزایش پیدا می‌کند.

کاسبی با پولی کم ارزش تر از افغانی

بحث دیگر ارزش پول افغانستان است؛ برخلاف تصویری که سال‌هاست برای ما شکل گرفته، نه تنها پایین‌تر



هنوز وضعیت امتحانات باقی مانده متوسطه دوم روشن نشده است و دانش آموزان در کنار احساس ناامنی و استرس، نگران امتحانات خود هستند. این کارشناس آموزشی گرچه استرس را برای مواقع امتحان طبیعی می‌داند اما در عین حال تاکید می‌کند: «استرس پیش از آزمون در شرایط عادی هم وجود دارد ولی در شرایطی که صدای انفجارهای پیاپی فضا را ناامن کرده بود، این سردرگمی در مورد زمان برگزاری آزمون‌های باقی مانده، محصلین را بیش از پیش نگران می‌کند.»

کرده و می‌گوید: همچنین انتظار می‌رود سازمان‌های بین‌المللی با تدوین قوانین و سیاست‌های مناسب حفاظت از جان کودکان و کاهش آسیب‌های ناشی از جنگ را به حداقل برسانند.

گزارش

مکافات میزبانی بی‌قید و شرط

بلای بی‌مرزری

الله باقری سنجری
هفت صبح

قریب به دو هفته از آغاز حمله اسرائیل به ایران می‌گذرد. در خیابان‌ها و سبزه‌ها، ماشین‌های گشت سپاه، بسیج و نیروی انتظامی در حال بازرسی خودروها و بازداشت و جمع‌آوری اتباع افغانستانی غیرمجاز هستند. محمداصادق معتمدیان، استاندار تهران هم ظهر شنبه، ۳۱ خرداد ۱۴۰۴، از تشدید طرح جمع‌آوری و خروج اتباع غیرمجاز در سطح استان تهران خبر داد. خبرهایی از این دست روایت می‌شود که «چند تبعه افغانستان در روشنائی روز بدون کوچک‌ترین ترسی در پارک طالقانی تهران، مرد ایرانی و زش را به قصد سرقت موبایل چنان زدند که پوست سر مرد کنده شد و جان سپرده است.» تا پیش از این، وقتی پای مهاجران افغانستانی در اخبار به میان می‌آمد، بیشتر از بررسی خبر، جنگ میان موافقان و مخالفان حضور آنها در ایران بالا می‌گرفت. همانطور که در زمان قتل داریوش مهرجویی هم، تب و نقد حمایت و مخالفت با حضور آنها بالا گرفته بود. همان زمان،

در صورت شناسایی محل سکونت یا تجمع اتباع غیرمجاز، مراتب را به سامانه‌های تلفنی مرتبط اطلاع داده و مشخصات کامل مکان یا افراد را در اختیار نهادهای مسئول قرار دهند.



میان بسیاری از آن‌هایی که در ایران هستند، بنیادگرایی باورمند به اندیشه‌های طالبان هم حضور دارند.

حتی بسیاری از آن‌ها پس از قدرت گرفتن طالبان خوشحال بودند که این، در تصاویر منتشر شده از جشن پیروزی طالبان در مشهد مشهود است

پذیرش بی‌قاعده و اصول مهاجران

ایران، سال‌هاست که پناهی برای افغانستان، این کشور بحران‌زده شده است. احتمالا تمام ما در دوره‌هایی از زندگی، خاطراتی از همسایه، هم‌کلاسی، هم‌محلی و آشنای افغانستانی در کشور مان داشتیم و این نشان از میزبانی همیشگی ما از این همسایگان مان است. اما امروز، ما، بنیان‌گذار قدیمی مهاجران افغانستان، با چند چالش عمده پذیرش بی‌قاعده و اصول مهاجران مواجهیم؛ در تمام کشورهای مهاجرپذیر، سازمان مهاجرت تعداد مورد پذیرش مهاجران و شرایط حضور آن‌ها را اعلام می‌کند که گاهی این قوانین نمی‌رسد، آنطور که در ایران، مرزهای مان به روی هر تعداد مهاجری باز است، بدون اینکه پیشینه اجتماعی، امنیتی، سیاسی و رویکرد آن‌ها را بدانیم و البته ظاهرا فقط مرزهای مسا این چنین بدون قیدوشرط به روی آن‌ها باز است.

به‌خصوص با حضور و قدرت گرفتن دوباره طالبان که مرزهای کشور ما بیش از زمان دیگری به‌روی این همسایگان باز شد. و به تبع آن، در سه، چهار سال اخیر، چالش قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالا و سوخت به افغانستان و مشکلات امنیتی هم افزایش یافت. در کنار تمام این موارد، باید مشکل اسکان مهاجران افغان، ارائه خدمات معیشتی، درمانی، آموزشی و استفاده از منابع را هم اضافه کرد. از طرفی، در زمان سقوط نظام جمهوری افغانستان، ارتش ۳۵۲ هزار نفره این کشور از هم پاشید؛ این ارتش سال‌ها تحت آموزش ناتو بودند و از آن پس، همراه با ورود مهاجران افغانستان به ایران، بسیاری از نیروهای نظامی هم همراه آن‌ها وارد کشور شدند؛ این موضوع را حشمت‌اله فلاح‌ت‌پیشه که نماینده ادوار هفتم، هشتم و دهم بود و ریاست کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس را در دوره دهم برعهده داشت هم تأیید کرده و در همان زمان گفته بود: «بیش از یکونیم‌میلیون نفر با سابقه نظامی وارد ایران شدند.»

جشن شادی مهاجران با پرچم طالبان در ایران

بی‌شک در میان این مهاجران، انسان‌های شریفی هم هستند که امکان زیست در سرزمین‌شان و در میان طالبان برای آن‌ها فراهم



[illegible]

کنجد جای ریال را در قیمت گذاری‌ها می گیرد

مورد عجیب آقای نان!

قیمت نان در روزهای مواجهه تمام عیار ایران با رژیم صهیونیستی، تحولات عجیبی به خود دید، از قرصی ۵۰هزار تومان در برخی نانواپی‌های متخلف تا عرضه به قیمت رسمی در نانوائی‌های دیگر. با این حال، ترفند تازه‌ای برای قیمت گذاری این محصول مهم و همیشه حاضر بر سفره‌های مردم اندیشیده شده است که احتمالاً باعث خواهد شد قیمت نان نیز همپای قیمت سایر کالاها، شناور شود.

به گزارش هفت صبح، اتحادیه صنف نانوائیان استان همدان در بخشنامه‌ای که روز یکم ماه صادر کرده است، رسماً ریال را از گردونه قیمت گذاری نان خارج کرده و به جای آن، نانوائیان را ملزم یا به تعبیری مختار کرده است که قیمت نان سسنگ را بر اساس واحدی به نام یک کنجد برابر ۵ گرم کنجد محاسبه کرده و از مشتریان اخذ کند.

مشخص است که با توجه به نوسان مداوم قیمت کالاها در کشور و به تبع آن، نوسان در قیمت کنجد، این موضوع به نوعی شناور کردن قیمت کنجد محسوب می شود که امید است وزارتخانه‌های مرتبط و اتحادیه‌های مسئول، هر چه سریع‌تر با این پدیده، برخورد و جلوی تسری آن به سایر نقاط کشور را بگیرند.

موضوع: نرخ نان سنگک

احترام‌ها:نگار محترم از مورخ ۱۴۰۴/۲/۱ نرخ نان سنگک بر اساس نرخ جدید خواهند شد. است تا اصلاح شدن نرخ نان نسبت به رهايت دقيق قوانين نظام صنف (وزن هر قرص نان سنگک داغ ۲۵۰ گرم) به شرح ذیل محاسبه و اقدام از معيارت در دستگاه تائيتو مدیریت تراکنش با منصدی میباشد و همکاران میبایند.باتشکر

۱ واحد کنجد	+	۱ قرص نان سنگک ساده
۲ واحد کنجد	+	۲ قرص نان سنگک ساده
۳ واحد کنجد	+	۳ قرص نان سنگک ساده
۴ واحد کنجد	+	۴ قرص نان سنگک ساده
۵ واحد کنجد	+	۵ قرص نان سنگک ساده
۶ واحد کنجد	+	۶ قرص نان سنگک ساده
۲ واحد کنجد	+	۱ قرص نان سنگک یک رو کنجد
۳ واحد کنجد	+	۱ قرص نان سنگک دو رو کنجد
۴ واحد کنجد	+	۱ قرص نان سنگک بر کنجد
(هر واحد کنجد ۵ گرم میباشد)		

راهکارهایی برای زندگی

اختلال اضطراب فراگیر چیست؟

درمان استرس با چند راهکار ساده

مهدی مروتی

هفت صبح

میلیون‌ها نفر در سراسر جهان تحت تاثیر استرس مشکلات فراوانی را تجربه می‌کنند. اگر علائم استرس بیش از ۶ ماه در فردی وجود داشته باشد، ممکن است به اختلال اضطراب فراگیر یا منتشر تبدیل شود. این بیماری به نوعی نگرانی بیش از حد گفته می‌شود که در آن زندگی روزمره فرد از لحاظ روابط فردی و اجتماعی در خانواده، محل کار یا محل تحصیل به مخاطره می‌افتد. علائم اختلال اضطراب منتشر شامل موارد زیر است:

ترس، تنش، نگرانی بیش از حد در مورد مشکلات روزمره، تحریک پذیری، مشکل در تمرکز، مشکل در روابط اجتماعی، افزایش ضربان قلب، تنگی نفس و گریغتی‌های عضلانی پزشکان اغلب برای درمان این بیماری در کنار مصرف دارو، مشاوره درمانی و تراپی را نیز تجویز می‌کنند. تحقیقات نشان داده است که تغذیه مناسب می‌تواند تاثیر بی‌ظنطیری در رفع علائم استرس داشته باشد. البته از انواع قرص ضد استرس نیز می‌توان استفاده کرد؛ بعضی از این قرص‌ها که بدون نیاز به نسخه پزشک در داروخانه‌ها به فروش می‌رسند، شامل ترکیبات طبیعی و گیاهی بوده و معمولاً عاری از عوارض جانبی هستند.

زندگی جاری است

بازی کودکان در پارک لاله

شاخه زیتون زیر سایه اقتدار | کارتون اشرف کمال

پیاده روی در چیتگر

سلفی در نقش جهان اصفهان

خرید ماهی در شیراز

شادی مردم تهران پس از پاسخ کوبنده نیروهای مسلح به آمریکا

چگونه در روزهای پس از جنگ ایران و اسرائیل حال خوش بسازیم؟

راه‌های ساده برای لبخند زدن بعد از روزهای سخت

مهرداد صالحی

هفت صبح

جنگ ایران و اسرائیل که از ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ آغاز شد، تأثیرات عمیقی بر روان و زندگی روزمره مردم گذاشت. حملات رژیم صهیونیستی نه تنها خسارات مادی و جانی به جا گذاشت، بلکه موجی از اضطراب، ناامنی و عدم اطمینان را میان مردم ایجاد کرد. حالا که این جنگ به پایان رسیده، پرسش این است: چگونه می‌توانیم در این روزهای پرچالش، حال خوشی برای خودمان و اطرافیان‌مان بسازیم؟ در این یادداشت پیشنهادهایی برای بازسازی روحیه و ایجاد حس مثبت در زندگی پس از جنگ را به شما پیشنهاد می‌دهم.

پذیرش احساسات و گفتگو درباره آن‌ها

اولین گام برای بهبود حال روحی، پذیرش احساساتی است که در این مدت تجربه کرده‌ایم. جنگ، حتی اگر مستقیماً ما را درگیر نکرده باشد، می‌تواند احساس ترس، خشم یا غم را در ما بیدار کند. به جای سرکوب این احساسات، بهتر است آن‌ها را به رسمیت بشناسیم. با یک دوست، عضو خانواده یا حتی یک مشاور صحبت کنید. نوشتن احساسات در یک دفترچه نیز می‌تواند به تخلیه هیجانات کمک کند. این کار به ما اجازه می‌دهد تا به تدریج از فشار روانی آزاد شویم و فضایی برای احساسات مثبت‌تر ایجاد کنیم.

بازگشت به روال روزمره با تغییرات کوچک

جنگ، نظم زندگی را مختل می‌کند. حالا که آرامش نسبی بازگشته، بازسازی روال روزمره می‌تواند حس ثبات و کنترل را به ما برگرداند. با کارهای ساده شروع کنید: تنظیم ساعت خواب، خوردن غذای سالم یا قدم زدن روزانه. اگر شرایط سخت اقتصادی یا اجتماعی مانع از بازگشت کامل به روال سابق است، تغییرات کوچک را امتحان کنید. مثلاً یک وعده غذایی خانگی با خانواده بپزید یا زمانی را به خواندن کتاب اختصاص دهید. این اقدامات کوچک، حس امید و پیشرفت را تقویت می‌کنند.

راهکارهایی برای زندگی

اختلال اضطراب فراگیر چیست؟

درمان استرس با چند راهکار ساده

مهدی مروتی

هفت صبح

میلیون‌ها نفر در سراسر جهان تحت تاثیر استرس مشکلات فراوانی را تجربه می‌کنند. اگر علائم استرس بیش از ۶ ماه در فردی وجود داشته باشد، ممکن است به اختلال اضطراب فراگیر یا منتشر تبدیل شود. این بیماری به نوعی نگرانی بیش از حد گفته می‌شود که در آن زندگی روزمره فرد از لحاظ روابط فردی و اجتماعی در خانواده، محل کار یا محل تحصیل به مخاطره می‌افتد. علائم اختلال اضطراب منتشر شامل موارد زیر است:

ترس، تنش، نگرانی بیش از حد در مورد مشکلات روزمره، تحریک پذیری، مشکل در تمرکز، مشکل در روابط اجتماعی، افزایش ضربان قلب، تنگی نفس و گریغتی‌های عضلانی پزشکان اغلب برای درمان این بیماری در کنار مصرف دارو، مشاوره درمانی و تراپی را نیز تجویز می‌کنند. تحقیقات نشان داده است که تغذیه مناسب می‌تواند تاثیر بی‌ظنطیری در رفع علائم استرس داشته باشد. البته از انواع قرص ضد استرس نیز می‌توان استفاده کرد؛ بعضی از این قرص‌ها که بدون نیاز به نسخه پزشک در داروخانه‌ها به فروش می‌رسند، شامل ترکیبات طبیعی و گیاهی بوده و معمولاً عاری از عوارض جانبی هستند.

زندگی جاری است

بازی کودکان در پارک لاله

شاخه زیتون زیر سایه اقتدار | کارتون اشرف کمال

پیاده روی در چیتگر

سلفی در نقش جهان اصفهان

خرید ماهی در شیراز

شادی مردم تهران پس از پاسخ کوبنده نیروهای مسلح به آمریکا